آثار تسبیحات و اذکار برای آفریدگار

۱. توحید: هشام بن حکم گفت: از حضرت صادق علیه السلام درباره سبحان اللَّه سؤال کردم. فرمود: یعنی کلمه ای است که عار داشتن خدا را می‌فهماند از آن‌چه لائق به او نباشد.

۲. توحید: هشام جوالیقی گفت: از حضرت صادق علیه السلام سؤال کردم در مورد قول خدای عز و جل «سبحان اللَّه»؟ فرمود: دور کردن خدای تعالی از صفات زشت.

توحید از ابن اسباط همانند آن را روایت کرده است.

۳. توحید: یزید بن اصم گفت: مردی از عمر بن خطاب سؤال کرد و گفت: یا امیر المؤمنین! تفسیر و بیان سبحان اللَّه چیست؟ عمر گفت: در این باغ مردی است که چون سؤال می‌کرد خبر داده می‌شد و چون سکوت می‌کرد آغاز کرده می‌شد و مراد این است که در عهد پیغمبر چنان بود که علم به او می‌رسید؛ اگر از پیغمبر صلی اللّٰه علیه و آله چیزی می‌پرسید او را جواب می‌فرمود و اگر خاموش بود و سؤالی نمی‌نمود، پیغمبر صلی اللّٰه علیه و آله آغاز می‌کرد و به او تعلیم می‌کرد و لهذا شاید که او تفسیر این را بداند. پس آن مرد داخل باغ شد و دید

که آن مرد علی بن ابی طالب علیه السلام است. سائل عرض کرد که یا ابا الحسن! تفسیر سبحان اللّٰه چیست؟ فرمود: که آن تعظیم جلال خدای عز و جل و تنزیه و دور کردن آن جناب است از آن‌چه هر مشرکی در شان او گفته و چون بنده آن را بگوید هر فرشته بر او صلوات فرستد.

۴. خصال: امام صادق علیه السلام فرمود: شیطان گوید با این‌که همه مردم در زیر دست منند، پنج کس هستند که در آن‌ها چاره ای ندارم: هر کس از روی راستی و دل پاک به خدا پناه برد و در همه کارهایش به او اعتماد کرد، هر کس در شب و روز خود بسیار تسبیح گوید، هر کس در گاهی که مصیبت بیند، بیتابی نکند، هر کس به آن‌چه خدا بهره‌اش داده خشنود باشد و غم روزی نخورد.

۵. امالی صدوق: امام صادق علیه السلام فرمود: هر که سی بار گوید سبحان اللّٰه و بحمده سبحان اللّٰه العظیم و بحمده، رو به توانگری کرده و پشت به فقر داده و در بهشت را کوبیده است

۶. خصال: به تحقیق گذشت روایت از امام سجاد علیه السلام که فرمودند: خدا را به پنج جمله تمجید کنید. سپس فرمودند: هر گاه بگوئی سبحان اللّٰه و بحمده خدا را از آن‌چه خدانشناسان گویند بالاتر برده ای.

۷. معانی الاخبار: پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه و آله فرمود: شخصی که یک بار سبحان اللّٰه و بحمده بگوید، خداوند برایش هزار هزار حسنه می‌نویسد، و هزار هزار سیئه از نامه عمل او محو نماید و مقام او را هزار هزار درجه بالا می‌برد، و آن کس که بیشتر بگوید، خداوند پاداش او را افزون کند، شخصی که آمرزش بخواهد، خدا او را بیامرزد.

۸. امالی صدوق: امام صادق علیه السلام فرمود: هر که خدا را هر روز سی بار تسبیح گوید، خدای تبارک و تعالی از او هفتاد نوع بلاء دفع کند که کمترش فقر است.

۹. خصال: امیر المومنین علیه السلام فرمود: هر که خدا را هر روز سی بار تسبیح گوید، خدای تبارک و تعالی از او هفتاد نوع بلاء دفع کند که کمترش فقر است.

۱۰. معانی الاخبار: امام صادق علیه السّلام از پدرانش از حضرت علیّ بن أبی طالب علیهم السّلام روایت نموده که آن حضرت فرمود: همانا نور محمّد صلی اللَّه علیه و آله را دوازده هزار سال در حجاب قدرت نگاه داشت و او همواره می‌فرمود: سُبْحَانَ رَبِّیَ الْأَعْلَی (منزّه است پروردگار والامقام من) و یازده هزار سال در حجاب عظمت نگه داشت که می‌فرمود: سُبْحَانَ عَالِمِ السِّرِّ (پاک است دانای راز پنهان) و ده هزار سال او را در حجاب منّت نگهداشت که می‌فرمود: سُبْحَانَ مَنْ هُوَ قَائِمٌ لَا یَلْهُو (پاک و منزّه است خدائی که پایدار است، و کارش بیهوده نیست) و نه هزار سال نیز در حجاب رحمت، که می‌فرمود: سُبْحَانَ الرَّفِیعِ الْأَعْلَی (پاک و منزّه است خدای بلند مرتبه و برتر)، و هشت هزار سال هم در حجاب سعادت، که می‌فرمود: سُبْحَانَ مَنْ هُوَ دَائِمٌ لَا یَسْهُو (پاک و منزّه است پروردگاری که پاینده است و اشتباه نمی‌کند)، و هفت هزار سال در حجاب کرامت نگهداشت که می‌فرمود: سُبْحَانَ مَنْ هُوَ غَنِیٌّ لَا یَفْتَقِرُ (پاک و منزّه است آن خدائی که بی‌نیاز است و هرگز محتاج نگردد) و شش هزار سال نیز در حجاب منزلت، که می‌فرمود: سُبْحَانَ الْعَلِیمِ الْکَرِیمِ (پاک و منزّه است خدای من که برتر است و بخشنده) و پنج هزار سال هم در حجاب هدایت، که می‌فرمود: سُبْحَانَ ذِی الْعَرْشِ

الْعَظِيمِ (پاک و منزّه است پروردگار عرش بزرگ) و چهار هزار سال در حجاب نبوّت نگه داشت که که می‌فرمود: سُبْحَانَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ (پروردگار مقتدر و بی‌همتا از توصیف جاهلانه و نارواى مشرکان منزّه است) و سه هزار سال در حجاب رفعت، که می‌فرمود: سُبْحَانَ ذِی الْمُلْكِ وَ الْمَلَكُوتِ (پاک و منزّه است خدائی که صاحب ملک و ملوک است) و دو هزار سال در حجاب هیبت نگاه داشت که می‌فرمود: سُبْحَانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ (پاک و منزّه است خدا و من به ستایش او مونسم) و هزار سال هم در حجاب شفاعت، که می‌فرمود: سُبْحَانَ رَبِّیَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ (پاک و منزّه است پروردگار بزرگ، و من به ستایش او مشغولم). سپس خداوند نام خود را که نور درخشانی بود بر لوح هویدا ساخت و تا چهار هزار سال آن‌جا بود، و بعد از آن بر تارک عرش آشکار ساخت و هفت هزار سال نیز آن‌جا بود، تا آن را در پشت آدم نهاد.

می گویم: روایت کامل آن در کتاب نبوت گذشت.

۱۱. توحید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدای تبارک و تعالی خروسی دارد که پاهایش در زیر زمین هفتم و سرش در کنار عرش است و گردن خود را به زیر عرش خم می‌کند. و خداوند یکی از فرشتگان را چنان آفریده که پاهایش در زیر زمین هفتم است و به اندازه کشش زمین‌ها قد کشیده تا از آن‌ها سر برآورده و به افق آسمان رسیده و از آن نیز بالاتر رفته تا شاخش به عرش رسیده است و می‌گوید: «سبحانک ربی» یعنی پاک و منزه می‌شمارم تو را ای پروردگار من از آن‌چه لائق به شان تو نباشد. و آن خروس دارای دو بال است که وقتی آن‌ها را می‌گشاید، از مشرق و مغرب می‌گذرد. چون آخر شب فرا رسد، بال هایش را می‌گشاید و به هم می‌زند و صدا به تسبیح بلند می‌کند و

می‌گوید: سُبْحَانَ اللَّهِ الْمَلِکِ الْقُدُّوسِ الْکَبِیرِ الْمُتَعَالِ الْقُدُّوسِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ. چون پاسی از سحر فرا رسد باز بال گشاید و بال هایش از مشرق و مغرب بگذرد و بال زند و صدا به تسبیح بلند کند و گوید: سبحان اللّٰه العظیم، سبحان اللّٰه العزیز القهار، سبحان اللّٰه ذی العرش المجید، سبحان اللّٰه رب العرش الرفیع. وقتی چنین کند، خروس‌های زمین نیز تسبیح گویند، و هرگاه او بجنبد، خروس‌های زمین هم بجنبند و او را با تسبیح و تقدس خداوند پاسخ گویند. آن خروس پر سپیدی دارد که تا حال به آن سپیدی ندیده ام، و زیر آن پر سپید، پر سبزی دارد که تا حال به آن سبزی ندیده ام، و پیوسته مشتاق هستم که به پر آن خروس بنگرم.

۱۲. توحید: رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله و سلم فرمودند: خدا را فرشته ای است از فرشتگان که نیمه بالای بدنش آتش است و نیمه پائین بدنش برف است ؛ نه آتش برف را آب کند، نه برف آتش را خاموش کند، و او ایستاده و با آواز بلند فریاد می‌زند: منزه است آن خدا که سوزش این آتش را باز داشته و برف را آب نکند، و سردی برف را باز داشته که سوزش این آتش را خاموش نکند، بار خدایا که الفت دادی میان برف و آتش، الفت ده دل بنده‌های مؤمنت را بر طاعتت.

۱۳. توحید: امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی فرشتگان را در صورت‌های پراکنده و مختلف آفریده است. بدان و آگاه باش که خدای تبارک و تعالی را فرشته ای است در صورت خروس صدا کننده سیاه و سفید که انگشتانش در زمین‌های هفتم پائین‌تر است و بالش در زیر عرش دو تا شده و آن را دو بال است؛ یک بال در مشرق و یک بال در مغرب و یکی از آتش و دیگری از برف است. و چون وقت

نماز حاضر شود، بر انگشتانش بایستد و گردنش را از زیر عرش بلند کند بعد از آن با ل‌های خود را بر هم زند، چنان که خروس‌ها در منزل‌های شما بال‌ها را بر هم می‌زنند. پس نه آن بالی که از آتش است برف را می‌گدازد و نه آن بالی که از برف است آتش را فرو می‌نشاند، و آواز می‌کند که اشهد ان لا اله الا اللّٰه وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا سید النبیین و ان وصیه سید الوصیین و ان اللّٰه سبوح قدوس رب الملائکة و الروح. یعنی گواهی می‌دهم به این‌که نیست خدائی مگر خدا در حالی که تنها است و شریکی از برایش نیست و گواهی می‌دهم به این‌که محمد سید و بزرگ پیغمبران است و به این‌که وصیش سید اوصیاء ایشان است و به این‌که خدا پاک است از هر بدی و به غایت پاک و پاکیزه و پروردگار فرشتگان و روح است. و حضرت فرمود که پس خروس‌ها در منزل‌های شما بال‌های خود را بر هم می‌زنند و آن را از گفتارش جواب می‌دهند. و این معنی قول خدای عز و جل است که «وَ الطَّیْرُ صَافَّاتٍ کُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلاتَهُ وَ تَسْبِیحَهُ» و پرندگان [نیز] در حالی که در آسمان پر گشوده اند [تسبیح او می‌گویند]؟ همه ستایش و نیایش خود را می‌دانند. و حضرت فرمود: یعنی هر یک از خروس‌ها که در زمینند.

۱۴. امالی صدوق: ابن عباس گوید: چون خداوند عیسی علیه السلام را به بنی اسرائیل مبعوث کرد، ابلیس لعین پیش او آمد و خواست او را با گفتارش وسوسه کند. عیسی این گفتار ابلیس لعین را عظیم شمرد و فرمود: منزه است خدا بر آسمان‌ها و زمینش و کشش کلماتش و به وزن عرشش و رضای خودش. چون ابلیس لعین آن را شنید بی‌خودانه پیش رفت تا در لجه خضراء افتاد.

می گویم: این روایت به صورت کامل در باب احوال حضرت عیسی علیه السلام آمده.

۱۵. ثواب الأعمال: یونس بن یعقوب نقل می‌کند که به امام صادق علیه السّلام عرض کردم: آیا کسی که صد بار ذکر سبحان اللَّه بگوید در زمره کسانی است که ذکر خداوند سبحان را بسیار کنند؟! فرمود: بلی.

۱۶. ثواب الأعمال: امام محمّد باقر علیه السّلام فرمودند: هر کس سبحان اللَّه بگوید، بی‌آن‌که از چیزی تعجّب کرده باشد، خداوند از این ذکر پرنده ای خلق می‌کند که دارای یک زبان و دو بال است و به جای او خدا را در حلقه تسبیح کنندگان ذات ربوبی تا روز قیامت تسبیح کند. ذکر الحمد للَّه و لا اله الّا اللَّه و اللَّه اکبر نیز همین ثواب را دارد.

۱۷. ثواب الأعمال: امام صادق علیه السّلام فرمودند: اگر کسی ذکر سبحان اللَّه و بحمده، سبحان اللَّه العظیم و بحمده را بگوید خداوند سه هزار حسنه در نامه اعمال او ثبت می‌فرماید، سه هزار درجه او را بالا می‌برد، و پرنده ای از (موهبت) این ذکر در بهشت برای او می‌آفریند که خدا را تسبیح کند و ثواب آن به گوینده ذکر برسد.

۱۸. قصص الانبیاء: امام باقر علیه السلام فرمود: ذو القرنین با ششصد هزار اسب سوار، حج کرد و وقتی داخل حرم شد، برخی از اصحابش او را تا خانه خدا مشایعت کردند. وقتی برگشت، گفت: مردی را دیدم که نورانی‌تر و وجیه‌تر از او ندیده بودم! گفتند: او ابراهیم خلیل الرحمان بود؛ ذو القرنین گفت: اسب‌ها را زین کنید؛ پس در مدت زمانی که یک اسب زین می‌شود، ششصد هزار اسب را زین کردند و سپس ذو القرنین گفت: نه؛ بلکه ما باید با پای پیاده به سوی خلیل الرحمان علیه السلام

برویم؛ پس خود پای پیاده به راه افتاد و اصحاب او نیز راه افتادند تا این‌که ذو القرنین و ابراهیم علیه السلام با هم ملاقات کردند.

ابراهیم علیه السلام گفت: با چه چیز روزگار را پیمودی؟ گفت: با یازده کلمه: «منزه است کسی که باقی است و فنا نمی‌پذیرد؛ منزه است کسی که می‌داند و فراموش نمی‌کند؛ منزه است کسی که نگهدارنده است و نمی‌اندازد؛ منزه است کسی که بیناست و تردید نمی‌کند؛ منزه است کسی که قائم به ذات خویش است و نمی‌خوابد؛ منزه است کسی که پادشاه است و قصد (سوء به) او نمی‌شود؛ منزه است کسی که عزیز است و بر او ستم نمی‌شود؛ منزه است کسی که در پرده است و دیده نمی‌شود. منزه است کسی که بی‌نیاز است و خستگی در او راه ندارد؛ منزه است کسی که ایستاده و سرگرم نمی‌شود؛ منزه است کسی که دوام دارد و اشتباه از او سر نمی‌زند.»

۱۹. محاسن: امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: وقتی کسی سبحان الله می‌گوید، دریای عزت نفس و بزرگی خداوند به تلاطم می‌افتد و حق است بر خدا که او را یاری کند.

۲۰. محاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که صد بار خدا را تسبیح بگوید، در آن روز از همه مردم افضل است مگر از کسی که او نیز مثل ذکر او را بگوید.

۲۱. محاسن: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که بدون عجب و خودپسندی سبحان الله بگوید، خدا از آن تسبیح او پرنده ای سبز رنگ خلق می‌کند که به سایه زیر عرش می‌رود و خدا را تسبیح می‌کند؛ پس ثواب تسبیح آن پرنده تا روز قیامت برای آن قائل نوشته می‌شود.

۲۲. تفسیر عیاشی: زید شحّام می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره تسبیح پرسیدم، فرمود: آن نامی از اسماء اللّٰه است و دعای اهل بهشت است.

۲۳. سرائر: امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ کلمه ای نیست که از سبحان اللّٰه برای زبان سبک‌تر و رساتر باشد.

۲۴. کشف الغمّة: علی بن الحسین علیهما السلام فرمود: کسی که بدون خودپسندی بگوید: «سبحان اللّٰه العظیم و بحمده» یعنی منزه است خدای با عظمت و من به ستایش او مشغولم، خدا برای او صد هزار حسنه می‌نویسد و سه هزار سیّئه از او محو می‌کند و سه هزار درجه برای او بالا می‌برد.

۲۵. از خط شهید رحمه اللّٰه نقل شده: در حدیث معراج است که تسبیح اهل آسمان دنیا «منزه است کسی که دارای ملک و ملکوت است»، و تسبیح اهل آسمان دوم، «منزه است کسی که دارای عزت و جبروت است»، و تسبیح اهل آسمان سوم، «منزه است زنده ای که نمی‌میرد است»، و تسبیح اهل آسمان چهارم، «منزه است خداوند مالک با تقدس، منزه است پروردگار ملائکه و روح» است.

۲۶. عدة الداعی: روایت شده که لشکرگاه حضرت سلیمان بن داود علیه السّلام صد فرسخ در صد فرسخ بود. جن‌ها برای آن حضرت فرشی از طلا و ابریشم بافته بودند به اندازه دو فرسخ در یک فرسخ که منبر طلایی آن حضرت را در وسط این فرش قرار می‌دادند. سلیمان نبی در حالی بر روی منبر می‌نشست که گرداگردش ششصد هزار کرسی از طلا و نقره قرار داشت، انبیا بر کرسی طلا و علما بر کسی نقره، تکیه می‌دادند و گردش مردم بودند و گرد مردم جنّ‌ها و شیاطین، در این حال پرندگان،

بال هایشان را می‌گشودند تا خورشید آنان را نیازارد، روایت شده که به باد فرمان می‌داد تا آن بساط را برداشته، حرکتش دهد. خداوند متعال وحی فرستاد در حالی که او بین آسمان و زمین در حال سیر بود که من بر حکومت تو این را افزودم که هیچ‌کسی سخنی نگوید مگر آن‌که باد آن را به گوش تو برساند. پس حکایت شده است که آن حضرت از کشاورزی گذشت که می‌گفت: فرزند داود حکومت با عظمتی دارد (تا این را گفت) باد آن سخن را به گوش سلیمان رساند، سلیمان فرود آمد و به سوی آن کشاورز رفت و گفت: من آمدم تا (به تو بگویم:) آن‌چه را که بر آن قدرت نداری، آرزو مکن، سپس فرمود: یک تسبیح تو که مورد قبول خداوند متعال قرار گیرد، از آن‌چه به خاندان داود داده شده بهتر است. و در حدیث دیگر آمده است: ثواب تسبیح برای تو می‌ماند، اما حکومت سلیمان از بین می‌رود.